

علم أصول الفقه

۸-۱۲-۹۱ مبادئ مختص تصديقي ۵۵

دراسات الاستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

الْحِكْمَةُ

- البقرة : ٢٦٩ يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُؤْتِ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَ مَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ

الْحِكْمَةُ

- قال الصادق عليه السلام: الحكمة ضياء المعرفة، و ميراث التقوى، و ثمرة الصدق، و لو قلت: ما انعم الله على عبد من عباده بنعمة اعظم و انعم و ارفع و اجزل و ابهى من الحكمة، لقلت صادقا، قال الله عز و جل: (يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ، وَ مَنْ يُؤْتِ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا، وَ مَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ). اى لا يعلم ما اودعت و هيأت فى الحكمة إلا من استخلصته لنفسى، و خصصته بها،

الْحِكْمَةُ

- و الحكمة هي النّجاة، و صفة الحكيم الثّبات عند اوائل الامور، و الوقوف عند عواقبها، و هو هادي خلق الله الى الله تعالى،
- قال رسول الله صلّى الله عليه و آله:
- لأنّ يهدى الله على يدك عبدا من عباده، خير لك ممّا طلعت عليه الشمس من مشارقها إلى مغاربها.

دلیل اصولی‌ها بر حجیت قطع

- باید بر این نکته تأکید ورزیم که اخباری‌ها فقط حجیت را از یقینی سلب می‌کنند که از غیر کتاب و سنت به دست آمده باشد. بنابراین اگر مکلفان به یک امر شرعی یقین پیدا نمایند که از طریق دیگری - غیر از کتاب و سنت - حاصل شده باشد، این یقین حجت نیست؛ نه منجز تکلیف است و نه معذر.

دلیل اصولی‌ها بر حجیت قطع

- بدیهی است هرگاه یقین شخص به هر دلیلی زایل گردد، خود به خود حجیت آن ساقط می‌شود و نیازی به نفی شارع نیست. بنابراین فرض بحث ما در جایی است که یقین همچنان بر حال خود باقی باشد و در عین حال شارع حجیت آن را نفی نماید.

دلیل اصولی‌ها بر حجیت قطع

- اصولی‌ها برای اثبات ادعای خویش سه دلیل ذکر کرده‌اند. آنچه در ذیل می‌آید بررسی میزان دلالت این ادله و در صورت پذیرش آنها، رد قول اخباری‌ها است.

دلیل اصولی‌ها بر حجیت قطع

- دلیل اول: برای هر صاحب یقینی دو صورت متصور است که در هر یک از آنها نفی حجیت از سوی شارع موجب تضاد خواهد بود:

دلیل اصولی‌ها بر حجیت قطع

- ا. یقین شخص مطابق با واقع است. در این صورت نفی شارع موجب تضاد به لحاظ عالم واقع می‌شود. به طور مثال شخص یقین دارد عدل واجب است و باید مطابق آن عمل نماید - و فرض این است در عالم واقع هم عدل واجب است؛ زیرا یقین شخص مطابق واقع است - اما شارع حکم می‌کند متیقن نباید بر طبق یقین خود عمل نماید.

دلیل اصولی‌ها بر حجیت قطع

- معنای حکم شارع این است که عدل واجب نیست. در نتیجه شارع گرفتار تضاد شده است:
- از یک سو وجوب را برای عدل اعتبار کرده و از سوی دیگر با ردع حجیت یقین، وجوب را از عدل سلب نموده است.
- در حالی که وجوب عدل با عدم وجوب عدل - مثلاً مباح بودن آن - جمع نمی‌شوند و دو حکم متفاوت هستند.

دلیل اصولی‌ها بر حجیت قطع

- ب. یقین شخص مطابق با واقع نیست و جهل مرکب دارد. در این صورت اگر شارع حجیت یقین را ردع نماید، در نظر شخص یقین کننده شارع گرفتار تضاد شده است، اگرچه واقعاً تضادی وجود ندارد. زیرا واقع در نظر صاحب یقین منکشف است و هیچ ابهام و تردیدی در آن راه ندارد.

دلیل اصولی‌ها بر حجیت قطع

- دلیل دوم: حجیت یقین ذاتی است. اگر شارع بخواهد حجیت را سلب کند، باید ذاتی را از ذات جدا نماید و چنین چیزی محال است. نمی‌توان با حفظ ذات، بخشی از ذات را سلب نمود.

دلیل اصولی‌ها بر حجیت قطع

- دلیل سوم: اگر شارع حجیت را از یقین نفی کند، لااقل در نظر صاحب یقین نقض غرض خویش کرده است.

دلیل اصولی‌ها بر حجیت قطع

- ر.ک: مهدی هادوی تهرانی، تأملات فی علم اصول الفقه، کتاب اول، دفتر سوم.
- توضیح بیشتر در شرح دلایل شهید صدر خواهد آمد.

دلایل اصولی‌ها در نگاه شهید صدر

- شهید صدر این سه دلیل را شرح و مآلاً آنها را به دو دلیل تبدیل می‌کند.*

- * سید محمد باقر صدر، بحوث فی علم الاصول، ج ۴، صص ۳۴ - ۳۱.